

مروری بر انسان‌شناسی اقتصادی

پوهنوال فریدالله فرهمند

دپارتمنت بشرشناسی و باستان‌شناسی، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان
ایمیل: faridullah.farahmand@gmail.com

چکیده

انسان‌شناسی اقتصادی به‌عنوان یکی از زیر شاخه‌های انسان‌شناسی، به مطالعه شرایط و چگونگی تولید مادی پرداخته و نقش ابزار و وسایل تخنیکي و هم‌چنان تأثیرات محیط زیستی را در زمینه فعالیت‌های اقتصادی انسان‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد. تبادل کالا و ضروریات روزمره و مسائل حقوقی مربوط به مالکیت و چگونگی بهره‌برداری، از دیگر موضوعاتی است که انسان‌شناسی اقتصادی به آن می‌پردازد. گذشته زندگی انسان‌ها نشان‌دهنده فعالیت‌های اقتصادی به‌صورت سنتی آن بوده؛ چنان‌چه در برخی جوامع عصر حاضر که در روستاها و مناطق دور از مراکز شهری زندگی می‌نمایند، مبادل کالا و برخی فعالیت‌های دیگر اقتصادی به‌شکل ابتدایی و سنتی آن صورت می‌گیرد. نمونه بارز آن تبادل جنس به جنس و پرداخت جنس در مقابل فعالیت است. درعصر حاضر ما شاهد توسعه تکنالوژی هستیم؛ به‌ویژه تکنالوژی معلوماتی که بیش‌تر فعالیت‌های اقتصادی به آن متکی شده و حتی تعدادی از سرمایه‌داران مشهور جهان با راه‌اندازی فعالیت‌های تکنالوژیکی در صدر جدول سرمایه‌داران جهان قرار گرفته‌اند؛ روی این ملحوظ در کنار سایر فعالیت‌های اقتصادی، پیشرفت تکنالوژی معلوماتی بالای معاملات تجارتی و توسعه اقتصادی نقش بارز داشته است.

اصطلاحات کلیدی: تولید؛ تقسیم‌کار؛ مبادل کالا؛ پُتلچ؛ حلقه کولا؛ معامله بازار

A Review on Economic Anthropology

Associate Prof. Faridullah Farahmand

Department of Anthropology and Archaeology, Faculty of Social Sciences, Kabul
University, Kabul, Afghanistan
Email: faridullah.farahmand@gmail.com

Abstract

Economic anthropology, as a sub-branch of anthropology, studies the conditions and methods of material production, technical tools and equipment, and environmental impacts. The exchange of goods, daily necessities, and legal issues related to ownership and how to exploit are other topics that economic anthropology deals with. The past of human life reflects its traditional economic activities; in some modern societies that live in villages and areas away from urban centers, the exchange of goods and other economic activities occur in their primitive and traditional form. A clear example is the exchange of goods for goods and the payment of goods for activities. Currently, we are witnessing the development of technology, particularly information technology, on which most economic activities are based, and even several world-famous capitalists have been at the top of the world capitalist table by launching technological activities, including investment in social media.

Keywords: Production; Division of Work; Exchange; Potlatch; Cola Ring and Market

مقدمه

انسان‌شناسی اقتصادی (Economic anthropology) بخشی از انسان‌شناسی است که تلاش می‌کند تا رفتار اقتصادی انسان را در گستره وسیع‌تر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی توضیح دهد. این فرایند توسط انسان‌شناسان انجام می‌شود و دارای رابطه‌ی پیچیده و بحرانی با رشته اقتصاد است. انسان‌شناسی اقتصادی نخستین بار به‌عنوان یک حوزه‌ی انسان‌شناسی توسط برانیسلاو مالینوفسکی و مارسل موس به‌عنوان جایگزینی برای مبادله بازار مطرح شد. قابل ذکر است که در اغلب موارد، مطالعات انسان‌شناسی اقتصادی بر تجارت و تبادل کالاها تمرکز دارد.

داد و ستد، مسائل حقوقی مربوط به مالکیت اشیاء، توزیع و مصرف از مباحث عمده در انسان‌شناسی اقتصادی به‌شمار می‌روند، که طی سال‌ها و قرن‌های گذشته توسط جوامع مختلف در نظر گرفته شده و تاکنون در جوامعی که به‌شکل ابتدایی زندگی به‌سر می‌برند به‌شکل سنتی آن مراعات شده و در جوامع پیشرفته به‌شکل علمی‌تر و رسمی آن مدنظر گرفته می‌شود.

انسان‌شناسان نظریه‌ها و مفاهیم را از علم اقتصاد گرفته و از آن برای فهم فرایند تولید، توزیع و مصرف استفاده می‌نمایند. به‌باور کنراد فیلیپ کناک، اقتصاددانان گرایش به تأکید بر ملت‌های مدرن و نظام‌های سرمایه‌داری دارند، حال آن‌که انسان‌شناسان با گردآوری داده‌هایی در باره اقتصادهای غیرصنعتی، دامنه فهم اصول اقتصادی را گسترش داده‌اند. انسان‌شناسان اقتصادی، اقتصاد را در یک چشم انداز تطبیقی بررسی می‌کنند.

نوشته حاضر به بررسی مختصر انسان‌شناسی اقتصادی پرداخته و از جمله تاریخچه این رشته مورد بررسی قرار گرفته و به تعقیب آن موضوعات تولید، تقسیم‌کار که برحسب سن، جنس و تخصص صورت می‌گیرد، مبادله کالا، رسم پُتلاچ، حلقه کولا و معامله بازار به‌صورت فشرده مورد بحث قرار گرفته است.

تاریخچه انسان‌شناسی اقتصادی

میرکانتیلیست‌ها (گرایش غالب اقتصادی در اروپای قرن 16 تا 18) بر اهمیت تجارت و لزوم برتری دادن به صادرات نسبت به واردات به‌عنوان منبع ثروت ملل، تأکید می‌کردند و با توجه به این اهداف دخالت دولت را در اقتصاد لازم می‌دانستند، هم‌چنان بر حذف موانع درونی تجارت، به تجارت خارجی و استفاده از مستعمرات برای بهره‌برداری از منابع فلزات گران‌قیمت و به‌گردش در آوردن تجاری آن‌ها اهمیت زیادی می‌دادند. فیزیوکرات‌ها زراعت و زمین را تنها عناصر ایجاد ثروت قلمداد می‌کردند. مکتب فیزیوکراسی که بر پایه فلسفه دئیسم «مکتب خداپرستی طبیعی» استوار بود، عقل و ندای طبیعت را برای سعادت‌مند شدن انسان کافی می‌دانست. آدم اسمیت و ریکاردو کار را عنصر اساسی در ثروت

تلقی می نمودند. مارکس نیز کار را یگانه منبع ثروت می شمرد و ارزش کار اضافی را حاصل کاری می دانست که سرمایه دار مزد آن را به کارگران پرداخت نکرده است. به باور وی همین ارزش اضافی موتور سرمایه داری است و کارگران صنعتی به دلیل محرومیت خود از ابزارهای تولید، برای ادامه زندگی و یا تأمین معاش خود چیزی جز نیروی کار خود برای فروش در دست ندارند.

در اواخر قرن نوزده، لوئیس هنری مورگان، از نخستین مردم شناسانی است که به صورتی نظام مند در باره "هنرهای معاش" در جوامع باستانی دست به مطالعه می زند. میان تطورگرایان، موضوع مالکیت بحثی اساسی را تشکیل می دهد، که گاه به مقایسه قوانین حقوقی یونان، روم و چین با اشکال این مالکیت در جوامع ابتدایی و روستایی معاصر می پردازد و گاه موضوع ماهیت جماعت هایی چون میرهای (جماعت های دهقانی خودکفا که تا زمان انقلاب روسیه پابرجا بودند) روسیه و یا موضوع مالکیت زمین در هند را با هدف چگونگی اخذ مالیات به وسیله استعمارگران بریتانیایی پی می گیرد.

در اوایل قرن بیستم تعدادی از انسان شناسان مانند فرانتس بوآس، مالینوفسکی و مارسل موس به بررسی کارکردهای مبادله و ضوابط آیینی و نمایشی آن پرداختند و این نکته را نیز مطرح کردند که، امر اقتصادی درون یک پدیده تام اجتماعی قرار می گیرد که خویشاوندی، سیاست و دین در آن تداخل دارند. از میانه قرن بیستم به بعد به جوامع انسانی و محیط مربوطه آنها توجه شد و جوامع شکارچی - گردآورنده، زراعت جنگلی، مال داری، وابستگی سازمان های اجتماعی-فرهنگی به حوادث و خطرات اقلیمی، امراض محیطی و امثال آن مورد توجه انسان شناسان قرار گرفت. از آغاز دهه 60 میلادی در این زمینه به ترتیب صورت گرایان، جوهرگرایان و مارکسیست ها تبارز نمودند. صورت گرایان معتقد بودند که گروهی از مقوله های اقتصاد سیاسی نظیر اعتبار، سرمایه، سرمایه گذاری، عرضه و تقاضا جنبه جهان شمول دارند. جوهرگرایان برعکس معتقدند که اقتصاد ابتدایی درون نهادهای چندکارکردی تعبیه شده است. انسان شناسی مارکسیستی تلاش می کرد تصویر کمونیسم ابتدایی را از میان برداشته و تأکید خود را بر تولید بگذارد. در عصر حاضر انسان شناسی اقتصادی بیش از پیش از تحقیق های انسان شناسی تاریخی درباره بازارهای باستانی، نظام های بومی و دانش اقتصادی، انواع شکل گیری سرمایه داری در کشورهای جهان سوم هم چون بورژواهای تراکتوری و برخی مؤسسات و بر کارکرد اقتصادهای غیرصوری، بهره می جوید (ریور، 1386 الف، صص 123-127).

فرانتس بوآس در سال 1909، برونسلاو مالینوفسکی در سال 1922 و مارسل موس در سال 1924 نظریه هایی را در باره مبادلات و هدیه تبیین کردند که به شکل قابل توجهی نگاه به اقتصادهای موسوم به "ابتدایی" را تغییر می دادند. انسان شناسان می دیدند که در برخی از جوامع، مبادله ضرورتاً اهداف

اقتصادی را دنبال نمی‌کند و نمی‌توان آن را بدون توجه به سازمان اجتماعی در مجموع آن مطالعه کرد (اوژه، 1388، ص 50).

قابل ذکر است که، موضوع بررسی اقتصاد به عنوان فعالیت‌های صرفه‌جویانه تعریف شده است که همان تخصیص و توزیع عقلانی منابع یا وسایل کم‌یاب برای هدف‌ها یا کاربردهای متفاوت است. چگونه می‌توان منابع محدود را خردمندانه به کار بست؟ تصمیم‌های راجع به معاملات اقتصادی تحت تأثیر چه عوامل راهنمایی صورت می‌گیرند؟ در جهان غرب تصور براین است که هدف دستیابی به بیش‌ترین سود، یعنی همان انگیزه سود، راهنمای تصمیم‌گیری اقتصادی است. به هر روی، انسان‌شناسان می‌دانند که انگیزش‌ها از یک فرهنگ تا فرهنگ دیگر تفاوت می‌پذیرند. انگیزه‌های به جز نفع شخصی، دست کم برخی از تصمیم‌های اقتصادی را در فرهنگ‌های گوناگون هدایت می‌کنند. انسان‌شناسان با نشان دادن این واقعیت که اصولی به جز انگیزه سود محرک فعالیت اقتصادی در فرهنگ‌های دیگرند، به بررسی تطبیقی اقتصاد کمک کرده‌اند. از طریق مردم‌نگاری و مقایسه میان فرهنگی، یافته‌های اقتصاددانان و دانش‌مندان سیاسی را که معمولاً بر تحقیق در ملت‌های غربی استوار اند، می‌توان در چشم انداز گسترده‌تری در نظر گرفت (کتاک، 1386، ص 42).

مارشال سالینز یکی از انسان‌شناسان آمریکایی در اثر خود با عنوان "اقتصاد عصر حجر" (1972) نمونه‌هایی را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که، الگوهای فرهنگی ابعاد مختلف "پیشرفت" به شمول ابعاد صریحاً نمود یافته، قدرت سیاسی و یا ثروت اضافی را شکل داده و محدود می‌نمایند. همان‌طور که جوامع رئیس‌محمور با محدودیت‌های درونی بر قابلیت خود به منظور کسب قدرت بیش‌تر مواجه هستند، در جوامعی که در آن‌ها اقتصاد به واسطه گروه‌های خانوادگی و روابط خویشاوندی یا شیوه خانواده محور تولید سازمان یافته است دارای اصل "مازاد ستیزی" هستند که بر مبنای آن به محض تأمین نیازهای خانوار، انگیزه‌ی جهت تولید بیش‌تر وجود ندارد. این‌گونه خانوارها بسیار کم‌تر از آن‌چه می‌توانند تولید می‌نمایند. از نیروی کار به‌طور کلی استفاده نمی‌شود، ابزارهای تکنولوژیکی به‌طور کامل بکار گرفته نمی‌شوند و منابع طبیعی نیز بدون استفاده باقی می‌مانند. به باور سالینز در چنین خانه‌وارهایی کنترل داخلی مانعی بر سر راه گسترش ابزارهای تولید محسوب می‌شود. خویشاوندی، ریاست قبیله، حتی نظم سنتی و یا هر چیز دیگری که بتوان آن‌ها را ناامید در جوامع بدوی به عنوان نیروهای تأثیرگذار در امر اقتصاد ایفای نقش می‌نمایند (مور، 1391، صص 395 و 396).

در تمام جوامع انسانی فرهنگ‌ها بالای اقتصاد شان نقش به‌سزایی دارد. یک فرهنگ اگر برخی از احتیاجات اولیه خاص افراد خود را برآورده نسازد، قادر به ادامه حیات نیست، به هر اندازه که، یک

فرهنگ احتیاجات مردم را بیش‌تر برآورده سازد، موفقیت آن بیش‌تر خواهد بود. این موفقیت با ارزش‌های خود فرهنگ و نه ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر، اندازه‌گیری می‌شود، یک فرهنگ باید تولید و توزیع اجناس، کالاها و خدمات مورد لزوم را برای زنده‌گی مردم آماده کند. هم‌چنین، فرهنگ باید شرایط مناسبی برای ادامه‌ی بقاء و تناسل افرادش به‌وجود آورد و باید اعضای جدید را فرهنگ‌آموزی (Enculturate) کند، به‌طوری که بتوانند به‌صورت بزرگ‌سالان فعال درآیند (عثمانی، 1394، ص 163).

از طرف دیگر، توسعه‌ی اقتصادی پایدار و از نظر فرهنگی مناسب در هر سطح از سطوح داخلی و بین‌المللی مدت‌ها یک حیطه‌ی کاربردی برای انسان‌شناسان بوده است. کمک‌های انسان‌شناسان می‌تواند راه‌های مختلف و بسیاری را در برگیرد که یکی از آن‌ها ارزیابی تأثیرات پروژه‌های کلان است که هدف اولیه آن‌ها سود رسانی با هدف بهبود زیر ساخت‌های اقتصادی مناطق فقربان است. از همین‌رو انسان‌شناسی توسعه یا نقد نوسازی، بخش مهمی از تحلیل سیاست به‌دست انسان‌شناسان بوده است (اروین، 1386، ص 113).

انسان‌شناسی اقتصادی که به بررسی و مطالعه‌ی شرایط تولید مادی انسان می‌پردازد؛ از همین‌رو، به مسایل محیط زیست و تکنالوژی نیز علاقه‌مند است. به عبارت دیگر در ابتدایی‌ترین حالت، انسان‌شناسی اقتصادی توصیف و تحلیل زندگی اقتصادی است با استفاده از دیدگاه انسان‌شناسی (James G. Carrier, 2005:1). به مرور زمان انسان‌شناسی اقتصادی درکنار سایر زیرشاخه‌های انسان‌شناسی به‌وجود آمد و یکی از بخش‌های مهم و ارزنده‌ی انسان‌شناسی را در کنار سایر زیر شاخه‌های انسان‌شناسی (انسان‌شناسی فرهنگی، انسان‌شناسی سیاسی، انسان‌شناسی فیزیکی و...) تشکیل می‌دهد.

تولید (Production)

تولید را می‌توان اولین گامی دانست که بشر علاوه بر احتیاجات زندگی خود باعث انباشت کالا و مواد غذایی شد و منابع زیادی را نیز به وسایل و لوازم مورد نیاز خویش تبدیل نمود. منابع طبیعی، نیروی بشری و سرمایه‌ی مادی از جمله عمده‌ترین منابع تولید به‌شمار می‌رود. انسان‌شناسی اقتصادی در تلاش است تا چگونگی تقسیم فعالیت‌های تولیدی میان اعضای جامعه‌های انسانی را کشف نماید. شیوه‌ی تولید که همان نحوه‌ی سازمان‌دهی تولید است، به یک رشته روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که از طریق آن نیروی کار بسیج می‌شود تا با کمک ابزارها، مهارت‌های سازمان‌دهی و دانش، انرژی از طبیعت استخراج شود. در اقتصاد سرمایه‌داری نیروی کار با پول خریده می‌شود و میان آدم‌ها (رئیسان و کارکنان) که در فراگرد تولید دخالت دارند، شکافی اجتماعی به چشم می‌خورد. برخلاف اقتصاد یاد شده، در جوامع غیر صنعتی نیروی کار معمولاً خریده نمی‌شود، بلکه به‌عنوان یک الزام اجتماعی در اختیار اقتصاد جامعه

قرار می‌گیرد. در یک چنین شیوه تولید مبتنی بر خویشاوندی، هم‌یاری در تولید یکی از انواع نمودهای شبکه گسترده‌تری از روابط اجتماعی به‌شمار می‌آید (کتاک، 1386، ص 490).

تولید به‌عنوان یک فرایند سازمان‌یافته در اکثر جوامع انسانی از گذشته‌های دور تا عصر حاضر وجود داشته و در برخی مکاتب فکری اقتصادی به‌عنوان اصل سازمان‌دهی اقتصاد تلقی شده است. به‌صورت عموم وسایل و عوامل مؤثر در تولید به دو مورد وابسته است؛ که مورد اولی شامل: مواد اولیه، ابزارها و فنون، دانش فنی، نیروی کار، سرمایه... و مورد دومی هم شامل مجموعه شرایط اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

تقسیم کار

کار نیز مانند زمین یک وسیله تولید است. در جوامع غیر صنعتی، دسترسی به زمین و نیز کار از طریق پیوندهای اجتماعی مبتنی بر خویشاوندی، زناشویی و تبار به‌دست می‌آید. هم‌یاری در تولید، تنها یکی از جنبه‌های روابط اجتماعی است که در بسیاری از موقعیت‌های دیگر نیز نمودار می‌شود (کتاک، 1386، ص 492).

در جوامع سنتی، کارها غالباً بر مبنای جنس تقسیم شده‌اند. این امر بیان‌گر آن است که، قشر اناث در زندگی روزمره کارهای مشخص و فعالیت تعیین شده به خویش را انجام می‌دهند و قشر ذکور نیز کارها و فعالیت‌های که برای شان منسوب شده را انجام می‌دهند. دفاع از سرزمین و قصبه و انجام کارهای شاقه معمولاً به‌عنوان وظایف مردان در نظر گرفته شده و کارهای خانه، گردآوری، زراعت و سهم‌گیری در فعالیت‌های مال‌داری از پیشه قشر اناث به‌شمار رفته است.

در بعضی از جوامع به‌ویژه جوامع غیرصنعتی و ابتدایی، معمولاً انجام کاری که به یک جنس اختصاص دارد، توسط جنس مخالف زشت و ناپسند محسوب می‌شود.

به‌صورت عموم تقسیم‌کار به سه نوع است: تقسیم‌کار برحسب جنس، سن و تخصص.

1. تقسیم‌کار برحسب جنس: این‌که زنان و مردان چه کارهای خاصی را انجام می‌دهند، در جوامع مختلف متفاوت است، ولی بیش‌تر کارها برحسب جنس تقسیم می‌شود. تقسیم‌کار برحسب جنس در بیش‌تر جوامع انسانی به‌طور گسترده توسط انسان‌شناسان مورد مطالعه قرار گرفته است. تقسیم‌کار برحسب جنس دارای ریشه‌های زیست‌شناسی است و کارهایی که به زنان داده می‌شود، کارهایی است که می‌توان در نزدیکی منزل انجام داد و به آسانی پس از وقفه‌ای کوتاه، از سر گرفت. کارهایی

معمولاً "کار مردان" تلقی شده است که احتیاج به قدرت بدنی، انرژی زیاد، مسافرت مکرر به فاصله‌های دور دارد و همراه با خطرات فراوان است.

گذشته از آن، مطالعه‌ی کار انجام شده‌ی مردان و زنان در گروه خاص نشان می‌دهد که اشکال خاص تقسیم‌کار برحسب جنس باید به رشد تاریخی سنتی، که مردم به وسیله‌ی آن‌ها زندگی‌شان را ادامه می‌دهند، وابسته باشد (خانقاه و کمالی، 1391، ص 355).

در کشور ما نیز تقسیم‌کار برحسب جنس در طول تاریخ قابل مشاهده بوده و زنان و مردان با انجام کارهای مشخص در اقتصاد خانواده‌ها نقش داشته‌اند. چنانچه کارهایی که توانایی فیزیکی بیش‌تر نیاز دارد مانند فعالیت‌های عمده‌ی زراعتی، مال‌داری و باغداری توسط مردان انجام شده و کارهای سبک‌تر مانند گردآوری و فعالیت‌های کوچک زراعتی، مال‌داری و باغداری و هم‌چنان پخت و پز و کارهای خانه توسط زنان انجام شده است.

2. تقسیم‌کار برحسب سن: دومین مبنای تقسیم‌کار، تقسیم‌کار برحسب سن تلقی گردیده است. در میان تی‌وی‌های شمال استرالیا، مردانی که برای شکار خیلی پیر اند، ابزار و آلات دستی قبیله را تهیه می‌کنند. مردان پیرتر معمولاً چندین همسر دارند؛ بنابراین در این جامعه خانوارهای بزرگ با نیروی کار فراوان تشکیل می‌شوند. پس، آن‌ها می‌توانند به ساختن سطل، چوب‌های مخصوص حفاری و ساخته‌های هنری بسیار زیبا چون تیرهای قبور و نیزه‌های تشریفاتی بپردازند. هم‌چنین این مردان آهنگ‌ها و رقص‌ها را تصنیف می‌کنند و می‌سازند و علاوه بر آن به شکار می‌پردازند. زنان آن‌ها نیز برای خانوار سبزی فراوان، حشره و عسل و کرم جمع‌آوری می‌کنند، و بنابراین از جهت غذایی دارای وضع خوبی هستند (همان، ص 355).

در بسیاری از جوامع غیرصنعتی کودکان و سال‌خوردگان کمک بیش‌تری به رشد اقتصاد در مقایسه با سایر جوامع می‌کنند؛ برای مثال در ویتنام جنوبی بچه‌های کوچک نه تنها مواظب برادران و خواهران کوچک‌تر از خود هستند بلکه در کارخانه‌ها نیز کار می‌کنند. برخلاف اسکیموهای پیر، مردم پیر در ویتنام جنوبی دارای مسئولیت‌های اقتصادی هستند. مثلاً مادر بزرگ خرید می‌کند، آشپزی می‌کند و خانه را نیز نظافت می‌کند (همان، ص 357).

در افغانستان نیز تقسیم‌کار به اساس سن قابل مشاهده بوده و به‌ویژه در روستاهای کشورما، اعضای خانواده با در نظر داشت گروه‌های سنی به کارهای مشخصی می‌پردازند. اطفال به‌ویژه فرزندان پسر در فعالیت‌های مربوط به زراعت، باغداری و مال‌داری (سه تکنالوژی عمده‌ی کسب معیشت) سهم داشته و نقش خوب را در اقتصاد خانواده‌ها ایفا می‌کنند.

3. تقسیم کار برحسب تخصص: در جوامع مدرن صنعتی عوامل زیست‌شناسی در تقسیم کار به وسیله عوامل فن آوری و نوآوری سازمانی اهمیت خود را از دست داده است؛ بنابراین لزومی ندارد که زنان یا مردان به کار خاصی بپردازند، بلکه هر دو جنس می‌توانند به هر نوع کار روی آورند. از این رو دیگر کار انحصاری در این جوامع برای جنس (مرد یا زن) وجود ندارد. شاید بتوان گفت تنها کاری که مردان نمی‌توانند در این جوامع انجام دهند به دنیا آوردن طفل است (همان، ص 355).

به هر صورت، هرچند نوعی تقسیم کار اقتصادی مبتنی بر سن و جنسیت، یک پدیده فرهنگی جهانی است، ولی وظایفی که به آدم‌های مذکر و مؤنث و در سنین متفاوت واگذار می‌شوند، گوناگون اند. بسیاری از جوامع زراعت پیشه سطحی، نقش تولید عمده را به زنان واگذار می‌کنند، ولی برخی از این جوامع کار اصلی را به مردان می‌دهند. به همین سان، در میان شبانان، مردها معمولاً از دام‌های بزرگ مراقبت می‌کنند، ولی در برخی از فرهنگ‌ها زنان کار شیردوشی را انجام می‌دهند. کارهای دسته‌جمعی در برخی از جوامع زراعت پیشه را گروه‌های کوچک‌تر یا افرادی انجام می‌دهند که بیش‌تر وقت شان را روی زمین‌های دیگران کار می‌کنند (کتاک، 1386، ص 490). در کشور ما معمولاً در فصل درو گندم و خرمن برداری تحت عنوان "حشر" تعدادی از دوستان و نزدیکان باهم جمع شده و به شکل گروهی در انجام کارها هم‌دیگر را یاری می‌رسانند.

مبادله کالا

بحث مبادله در انسان‌شناسی اقتصادی در چارچوب اجتماعی آن مطرح است. موضوع نبود پول مبادلات غیر اقتصادی را از مبادلات اقتصادی متمایز می‌کند. در اقتصاد پولی، بین کار و مصرف دو قدم وجود دارد. پولی که از کار دریافت می‌شود باید به چیز دیگری تبدیل شود که قابل مصرف است. در جوامعی که پول وجود ندارد، مزد حاصل از کار به صورت جنس پرداخت می‌شود. کارگران خانواده چیزی را که درو کرده اند، مصرف می‌کنند، آنچه را شکارچیان به خانه می‌آورند و می‌خورند و از ابزاری استفاده می‌کنند که خود می‌سازند؛ اما حتی درجایی که واسطه رسمی معامله وجود ندارد، بعضی از انواع توزیع اجناس و کالاها انجام می‌شود. کارل پولانی اقتصاددان نظام‌های توزیع فرهنگی، مواد کالایی را به سه گروه معامله: پایایی، توزیع دوباره و معامله بازاری تقسیم می‌کند. از جمله معامله پایایی را به تعویض میان دو گروه یاد کرده که کالاها و خدمات با ارزش تقریباً برابر معاوضه می‌شود. این کار ممکن است اهدای هدیه را نیز شامل شود.... رسوم اجتماعی، طبیعت و نحوه انجام معامله را روشن می‌کند. وقتی یک حیوان به وسیله گروهی از شکارچیان در استرالیا شکار می‌شد، گوشت آن میان خانواده‌های شکارچیان و سایر خویشاوندان تقسیم می‌شد. هر شخص در اردوگاه سهمی می‌گرفت که میزان آن به

درجه‌ی خویشاوندی او با شکارچیان وابسته بود. بدترین قسمت گوشت برای خود شکارچیان باقی می‌ماند. هنگامی که یک کانگورو شکار می‌شد، ران چپ برای برادر شکارچی، دم برای پسر کاکا، گرده و چربی برای خسرو، دنده‌ها برای خشو، پاچه‌های پیش‌رو برای عمه، سر برای زن و احشاً و خون آن برای خود شکارچی فرستاده می‌شد. اگر بحثی راجع به تقسیم گوشت در می‌گرفت دلیل آن عدم رعایت اصول صحیح توزیع گوشت بود، در هر صورت خویشاوندان شکارچی سهم بهتری داشتند و خود وی نصیب چندان از گوشت شکار نمی‌برد، البته عکس این حالت نیز وجود داشت. شکارچی با دادن قسمتی از شکار همان مقدار را در آینده پس می‌گرفت؛ درست مانند گذاشتن پول در حساب پس انداز ثابت (خانقاه و کمالی، 1391، صص 365 و 366). در نتیجه می‌توان گفت که معامله‌ی پایایی نوعی معامله‌ی است که ارزش هیچ چیز در هنگام دادن و پس گرفتن مشخص نمی‌شود و میان خویشاوندان و نزدیکان انجام می‌شود. نمونه‌های این نوع تبادل میان مردم افغانستان نیز وجود دارد که رسم "سیالی" نیز شامل آن می‌شود.

مارسل موس (Marcel Mauss) اساس مبادله را دادن هدیه و انتظار دریافت هدیه متقابل دانسته است. انسان‌شناسان معاصر به این باور اند که ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی باهم وابستگی نزدیک دارند. قابل ذکر است که، تبادل جنس در برابر کار از دیگر نمونه‌های تبادل به‌شمار می‌رود.

پُتلاچ (Potlatch)

یکی از عملکردهای فرهنگی که از طریق مردم‌نگاری به‌خوبی بررسی و شناخته شده است، مبادله‌ی پُتلاچ است. پُتلاچ که به‌معنی بخشیدن است، در برخی از جوامع سرخ‌پوست آمریکا به نوعی انهدام تشریفاتی اموال گفته می‌شود. رسم پُتلاچ potlatch که در میان بومیان شمال غربی آمریکا مروج است، اغلب برای نشان دادن اعتبار و قدرت سخاوت اغراق‌آمیز استفاده می‌شود و نمایش ثروت توسط رؤسای رقیب می‌باشد (James G. Carrier, 2005:251).

رسم مهمانی مهم در میان سرخ‌پوستان سواحل شمال غربی آمریکای شمالی وجود دارد که در آن ثروت و مال میان مردم با توجه به‌وضع آن‌ها توزیع می‌شود. پُتلاچ زمانی صورت می‌گیرد که افراد جدید طبقه‌ی بالا ریاست را می‌پذیرند. پس از آن این افراد با کسانی که در جامعه نقش‌های بالایی بر عهده داشتند در تصاحب سلسله مراتب اجتماعی بالاتر، از طریق به‌نمایش گذاشتن اموال و حتی از میان بردن آن‌ها رقابت می‌کنند. امروزه این رسم در میان سرخ‌پوستان کواکیوتل وجود دارد. در پُتلاچ مازاد ثروت برای کسب پرستیژ با نمایش و بخشش سخاوت‌مندانه آن توزیع می‌شود. در پُتلاچ برخلاف مصرف برجسته در جوامع دیگر بر احتکار کالاهایی که دیگران قادر به‌داشتن آن نیستند، تأکید نمی‌شود؛ یعنی به جای

فخرفروشی بر رد کردن کالاها یا حداقل آسودگی از کالاها متعلق به یک فرد تأکید می‌شود. بنابراین پُتلاچ به عنوان مکانیزم همترازی عمل کرده و از جمع‌آوری ثروت با هزینه عموم (سایر افراد) جلوگیری می‌کند (خانقاه و کمالی، 1391، ص 373).

برای مارسل موس، potlatch یک «واقعیت اجتماعی کامل» بود. وی به این باور بود که این رسم به تمام ابعاد زندگی اجتماعی (اقتصادی، سیاسی، مذهبی و سازمان اجتماعی) رابطه می‌گیرد. مارسل موس و فرانتز بوآس هرکدام شان به نوبه خود پیچیدگی این رسم را از نظر تعهداتی که در بین مردم ایجاد می‌کند، مطالعه نمودند. ایشان دریافتند که این امر باعث توالی مصرف تشریفاتی، تبدیل شدن به گروه‌های قراردادی و پیوند دادن گروه‌های اجتماعی می‌شود (James G. Carrier, 2005:212).

اگر این نظریه اقتصادی کلاسیک درست باشد که انگیزه منفعت پدیده‌ی جهانی است و هدف انسان‌ها در فعالیت اقتصادی دست‌یابی به بیش‌ترین منافع اقتصادی است، پس چگونه می‌توان پُتلاچ را تبیین کرد که در آن ثروت از دست می‌رود؟ بسیاری از محققان زمانی از پُتلاچ به عنوان نمونه برجسته رفتار از جهت اقتصادی هدردهنده یاد می‌کردند. برابر با این نظر، مبادله پُتلاچ بر یک کشش از نظر اقتصادی غیرعقلانی در جهت کسب حیثیت، استوار بود. این تفسیر بر دست و دل بازی و هدر دادن، به ویژه در مورد نمایش‌های قبیله کواکیوتل، تأکید داشت تا این ادعا را تأیید کند که در برخی جوامع آدم‌ها می‌کوشند به زیان رفاه مادی‌شان بیش‌ترین حیثیت را به دست آورند. این تفسیر با چالش روبرو شده است (کتاک، 1386، ص 504).

مطالعات فرانتز بوآس در باره کواکیوتل‌ها، تلینگیت‌ها (Tlingit)، تشیمشین‌های (Tshimshian) غرب کانادا نزدیک ونکوور، به ما نشان می‌دهند که در جوامعی که در آن‌ها رسم پُتلاچ (رقابت‌های مناسکی میان نامزدهای رئیس شدن با اهداء نمایشی هدایایی چون پتو، قایق، ورقه‌های مسی، به یکدیگر که به برکت خانواده انباشت می‌شوند) رایج است، سلسله مراتب‌های قدرت مبتنی بر مبادلات مبارزه‌جویانه جشن‌ها به وجود می‌آید. جای‌گزینی بعضی از القاب و قدرت از راه حیثیتی به دست می‌آید که به برکت انباشت ثروت و توزیع مجدد بسیار سخاوت‌مندانه آن ثروت انجام می‌گیرد.

موریس گودولیه نیز در تحلیل خود در مورد گینه نو نشان داده است که، برخی از افراد می‌توانند از راه ثروت اقتصادی به قدرت دست یابند. این پدیده را می‌توان هم در افریقا در نزد ایگبوها (Igbo)، هم در نزد ایفک‌های (Ifek) نایجریا و هم در اکثر جزایر پولینزی مشاهده کرد. قدرت بزرگ مرد (یا مرد مهم) نه قدرت موروثی بلکه قدرتی است که به دلیل شایستگی وی به او رسیده است؛ شایستگی او در تولید و گردآوردن ثروت (خوک‌ها، صدف‌ها، پره‌های پرنندگان بهشتی در ملانزی) که آن را در طول مراسم

ازدواج یا در زمان جنگ در اختیار قبیله خود می‌گذارد. بزرگ مرد در مقیاس اجتماعی با پرداخت‌ها و هزینه‌هایی که می‌کند {حیثیت وی} بالا می‌رود اما ممکن است این سخاوت‌مندی او را به‌ورشکستگی بکشاند (ریور، 1386 ب، ص 141).

قابل ذکر است که، برخی انسان‌شناسان پُتلاچ را به‌عنوان یک نوع هدر دادن آشکار در نظر نمی‌گیرند، بلکه بر نقش درازمدت آن به‌عنوان یک نوع ساز و کار تطبیق فرهنگی تأکید می‌کنند. پُتلاچ در اصل نوعی رقابت بین رؤسای قبایل، برای تحکیم و ترفیع موقعیت اجتماعی شان است.

حلقه کولا (Kula)

یکی از انواع تجارت خاموش، حلقه کولا است. مثال واضح درباره حلقه کولا، شیوه خاص مبادله میان بومیان جزایر تروبریانند است که به‌وسیله مالینوفسکی در سال 1922 میلادی مطالعه شده است. کولا یک نظام تجاری است که شامل معامله اجناس کم‌یاب، رقابت برای کسب پرستیژ اجتماعی و مراسم مهم مبادله گردن‌بندهایی با صدف‌های سرخ و بازوبندها و دست‌بندهایی با صدف سفید می‌شود که نزد بومیان واجب‌الاحترام است. هیچ شخصی نمی‌تواند گردن‌بند و بازوبند را برای مدت طولانی نزد خود نگه دارد و هرکدام از آن‌ها در بردارنده استراتژی خاصی برای رشد موقعیت هر فرد است. کولا با مراسم و جادوی زیادی همراه است. کولا شامل یک سفر دریایی 50 مایلی یا بیش‌تر است و چنان‌که انتظار می‌رود گذشته از گردن‌بند و بازوبند اجناس دیگری هم در آن معامله می‌شود. از این طریق مردم جزایر مورد نظر می‌توانند دارای اجناسی شوند که در جزیره خودشان وجود ندارد.

کولا نظام پیچیده‌ی از مراسم، روابط اجتماعی، معامله اقتصادی، سفر، جادو و هماهنگی اجتماعی است و نباید آن‌را تنها یک عمل اقتصادی بدانیم. کولا نشان‌دهنده نزدیکی عمیق عوامل فرهنگی در جوامع غیرغربی است (خانقاه و کمالی، 1393، ص ص 369 و 370).

قابل ذکر است که نه‌تنها تصاحب اشیای قیمتی توسط اشخاص، بلکه به‌صورت عموم، زمین، کار و ثروت جزء ابزار ضروری برای اعمال سیاست نیز به‌شمار می‌رود (ریور، 1386 ب، ص 140). روی این ملحوظ وضعیت اقتصادی اشخاص با پرستیژ اجتماعی شان در اکثر موارد رابطه ناگسستگی داشته و از اهمیت خاصی در اکثر جوامع برخوردار است.

معامله بازار

معاملات خرید و فروش و یا به‌شکل تبادله جنس در مقابل جنس و یا جنس در مقابل کار از گذشته‌های دور به این سو میان انسان‌ها وجود داشته و در عصر حاضر نیز نمونه‌های مختلف آن قابل مشاهده است.

امروزه در اکثر نقاط جهان بازارهای کوچکی احیا شده که در آن‌ها هر شخصی می‌تواند کالاهای دست اول و دوم، محصولات زراعتی و باغداری، موادی و سایر وسایل و لوازم مورد نیاز زندگی را به نمایش گذاشته و به فروش برساند. در برخی حالات در بازارهای جوامع غیرصنعتی، مردم تولیدات مازاد بر نیاز خود را با اجناس و وسایلی که قادر به تولید آن نیستند معاوضه می‌کنند.

با پیشرفت تکنالوژی به خصوص تکنالوژی معلوماتی، در عصر حاضر معاملات تجارتي و مبادله کالاها و اجناس به اساس تفاهم و پرداخت‌های غیرحضوری و به شکل انترنتی آن نیز صورت می‌گیرد. اما مبادلات که به اساس انترنت صورت می‌گیرد، هیچ‌گاهی قادر به جاگزینی معاملات بازارها به شکل حضوری آن و پاسخ‌گوی نیازهای افراد نیست.

در کنار سایر بازارهایی که به صورت معمول در گوشه و کنار جوامع غیرصنعتی وجود دارد؛ یکی هم بازارهایی است که به روزهای مشخص مربوط بوده و خرید و فروش و عرضه و تقاضای اموال و سایر اشیاء و لوازم در همان روزهای معین صورت می‌گیرد. در افغانستان تحت عنوان‌های روز بازار و جمعه بازار مشهور است که در مراکز ولایت‌ها و برخی ولسوالی‌های مشخص آن و در روزهای معین برگزار می‌گردد؛ مانند روز بازار دوشنبه و پنجشنبه در قره باغ کابل که در آن روزها، مردم از ساحات دور و نزدیک و حتی ولایت‌های هم‌جوار کابل مانند پروان، کاپیسا و پنجشیر در آن‌جا آمده و به خرید و فروش می‌پردازند. بررسی روز بازارهای مروج در افغانستان که نیاز به بررسی دقیق و کارشناسانه دارد تحقیق جداگانه را ایجاب می‌کند که پرداختن به آن نیاز به وقت و زمان بیش‌تر دارد. به هر صورت معاملات در بازارها به‌ویژه در جوامع غیرصنعتی از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده و در اقتصاد مردم نقش به‌سزایی دارد.

نتیجه‌گیری

انسان‌شناسی اقتصادی یک بخش عمده انسان‌شناسی به‌شمار می‌رود که به‌صورت عموم با محیط زیست و تکنالوژی سروکار دارد و متأثر از نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی می‌باشد. یکی از موضوعات مورد بحث و مهم در انسان‌شناسی اقتصادی، بحث تولید می‌باشد؛ چنان‌چه تولید یک فعالیت سازمان‌یافته بوده و در رشد اقتصادی جوامع نقش بارز دارد. توجه به کار و چگونگی تقسیم آن از دیگر مواردی است که مورد توجه انسان‌شناسی اقتصادی قرار گرفته، چنان‌چه تقسیم‌کار نظر به شرایط اجتماعی متفاوت به نظر می‌رسد؛ تقسیم‌کار برحسب جنس، سن و تخصص در جوامع گوناگون وجود دارد.

تبادلۀ کالا و هدایا از دیگر مواردی است که تحت عنوان‌های مختلف از جمله کولا و پُتلاچ میان انسان‌ها از مدت‌های دور به این‌سو در اکثر جوامع وجود داشته و در عصر حاضر نیز نمونه‌های آن در اکثر جوامع

به‌خصوص جوامع روستایی با اشکال متفاوت وجود دارد. ایجاب می‌کند که در مورد تولید و مصرف مواد غذایی و هم‌چنان سایر کالاها و ابزار تحقیقات گسترده‌ای انجام شود و رابطه‌ی انسان‌ها با محیط زیست، تکنالوژی‌های کسب معیشتی و چگونگی سازگاری شان با محیط‌های مربوطه مورد مطالعه قرار گیرد. در افغانستان تعداد زیادی از گروه‌های اتنیکی وجود دارد که تا هنوز به‌شکل ابتدایی زندگی خویش را به‌پیش می‌برند و نظر به شرایط نامساعد مورد تحقیق و تحقیق‌های انسان‌شناسی قرار نگرفته‌اند؛ که مطالعه و بررسی زندگی هر یک آن‌ها با محیط‌های مربوطه‌ی شان به دور از مفاد علمی عرصه‌ی انسان‌شناسی نخواهد بود.

منابع

- اروین، الکساندر ام. (1386). مردم‌شناسی کاربردی: ابزارها و دیدگاه‌هایی برای امروز، تهران: سازمان فرهنگی و گردش‌گری.
- اوژه، مارک و ژان پل کولن. (1388). انسان‌شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- خانقاه، اصغر عسکری و محمد شریف کمالی. (1391). انسان‌شناسی عمومی، چاپ هفتم، تهران: (سمت).
- ریور، کلود. (1386 الف). درآمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- ریور، کلود. (1386 ب). انسان‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- عثمانی، عصمت الله. (1394). مبادی انسان‌شناسی. چاپ چهارم. کابل: انتشارات یوسف زاد.
- کتاک، کنراد فیلیپ. (1386). انسان‌شناسی؛ کشف تفاوت‌های انسانی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- مور، جری. دی. (1391). زندگی و اندیشه بزرگان انسان‌شناسی، ترجمه هاشم آقاییگ پوری و جعفر احمدی، تهران: نشر جامعه شناسان.
- James G. Carrier. (2005). A Handbook of Economic Anthropology. UK: Edward Elgar.